

Original Article

Legal Jurisprudential Analysis of Bone Fracture Blood Money

Omid Tavakkoli Kiya^{1*}, Mohammad Darvishzadeh Kakhaki²

1. Master of private Law, Imam Sadeq University and Researcher of Allameh Legal Encyclopedia Research Center, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Omidtavakolikia@gmail.com

2. Assistant Professor of Allameh Legal Encyclopedia Research Center, Tehran, Iran.

Received: 22 Oct 2019 Accepted: 29 Feb 2020

Abstract

Background and Aim: The rule of bone fracture is one of the rules related to the bone injuries blood money, which is mentioned as an example in some jurisprudential and narrative texts. This rule was proposed firstly in paragraph (c) of Article 569 of the Islamic Penal Code adopted in 2013. In this paragraph, the legislator considers bone fracture blood money of each organ as Four-fifths of blood money of breaking that organ, while bone breaking in two states, complete recovery and incomplete recovery, has different blood money. So the question for the authors is whether the bone fracture blood money is different in the case of complete recovery and incomplete recovery?

Materials and Methods: This research has been done in explaining the legal jurisprudential of the rule of bone fracture, by descriptive analytical method and referring to library sources, and in examining the judicial procedure related to determining the amount of bone fracture blood money, a survey method has been used.

Conclusion: In this paper it is concluded that bone fracture blood money is a function of its treatment status and is more compatible with jurisprudential and legal principles. The contents of the unanimous vote of No. 1398/09/19-782 of the General Assembly of the Supreme Court of the country also confirm this matter.

Keywords: Bone Fracture; Blood Money; Paragraph (c) of Article 569 of the Islamic Penal Code

Please cite this article as: Tavakkoli Kiya O, Darvishzadeh Kakhaki M. Legal Jurisprudential Analysis of Bone Fracture Blood Money. *Feghh Journal* 2019-2020; 11(40-41): 45-58.

واکاوی فقهی حقوقی دیه ترک برداشتن استخوان

امید توکلی کیا^{۱*}، محمد درویش زاده کاخکی^۲

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگر مرکز پژوهشی دانشنامه‌های حقوقی علامه، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Omidtavakolikia@gmail.com

۲. استادیار مرکز پژوهشی دانشنامه‌های حقوقی علامه، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۷/۳۰ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: قاعده ترک برداشتن استخوان‌ها از قواعد مربوط به دیه صدمات استخوان است که در برخی متون فقهی و روایی به آن اشاره شده است. این قاعده برای اولین بار در بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی گردید. قانونگذار در این بند دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو را چهارپنجم دیه شکستن آن عضو می‌داند، در حالی که شکستن استخوان در دو حالت بهبودی کامل و بهبودی ناقص، دیه متفاوت دارد. برای نویسندگان، این پرسش مطرح است که آیا دیه ترک برداشتن استخوان در فرض بهبودی کامل و بهبودی ناقص نیز متفاوت است یا نه؟

مواد و روش‌ها: این پژوهش در تبیین فقهی حقوقی قاعده ترک برداشتن استخوان، با روش تحلیلی توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده و در بررسی رویه قضایی ناظر به تعیین میزان دیه موارد ترک برداشتن استخوان نیز از روش پیمایشی استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: نظریه تابعیت دیه ترک برداشتن استخوان تابعی از وضعیت درمان‌پذیری آن، با مبانی فقهی و حقوقی سازگاری بیشتری دارد؛ مفاد رأی وحدت‌رویه شماره ۷۸۲- ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید همین مطلب است.

واژگان کلیدی: ترک برداشتن استخوان؛ دیه؛ بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی

مقدمه

در حقوق جزای ایران صدمات استخوانی، قواعد و احکام مخصوصی دارد. عناوین این قواعد عبارتند از قواعد ناظر به «شکستگی استخوان»، «کوبیدگی استخوان»، «دررفتگی استخوان»، «موضحه استخوان» و «نقل و جا به جایی استخوان»، اما در این میان قاعده راجع به «ترک برداشتن استخوان» علی‌رغم فراوانی آن، به لحاظ مفهومی و مصداقی و حکمی به قدر کافی شناخته شده نیست، زیرا در رابطه با سایر قواعد راجع به صدمات استخوانی پژوهش‌های حقوقی مناسبی انجام شده و نصوص قانونی نیز از گویایی نسبی برخوردار است، برخلاف قاعده «ترک برداشتن استخوان» که اولاً به لحاظ قانونی دارای ابهام بوده؛ ثانیاً به لحاظ پژوهشی فاقد سابقه پژوهش مستقل می‌باشد؛ ثالثاً دچار تعدد رویه قضایی شده است. از همین رو پژوهش در زمینه ترک برداشتن استخوان و دیه آن از اهمیت به سزایی برخوردار است.

سؤال اصلی این پژوهش در رابطه با قاعده ترک برداشتن استخوان است و به سؤال‌های فرعی زیر تقسیم می‌شود: مفهوم این قاعده چیست و چه مصادیقی دارد؟ در رابطه با این قاعده چه احکام و نظریاتی مطرح شده است؟

مواد و روش‌ها

این پژوهش در تبیین فقهی حقوقی قاعده ترک برداشتن استخوان، با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در بررسی رویه قضایی ناظر به تعیین میزان دیه موارد ترک برداشتن استخوان نیز از روش پیمایشی استفاده شده است.

یافته‌ها

اداره حقوقی قوه قضاییه دو نظریه متفاوت درباره دیه ترک برداشتن استخوان در صورت بهبودی کامل و ناقص صادر کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دیه ترک برداشتن استخوان بایستی بر مبنای وضعیت درمان‌پذیری آن تعیین شود.

۱- پیشینه پژوهش

ترک برداشتن استخوان از جمله قواعد مربوط به دیه صدمات استخوان است. در متون روایی و فقهی، از ترک خوردن با عنوان «صدع» یا «انصداع» یاد می‌شود. مهم‌ترین مستند قاعده ترک برداشتن استخوان روایت ظریف بن ناصح یا کتاب ظریف است که برخی نویسندگان به تفصیل به بررسی اسناد و میزان اعتبار و حجیت آن پرداخته‌اند، هرچند برخی فقیهان روایت ظریف را ضعیف تلقی کرده‌اند، اما مشهور فقها آن را معتبر دانسته و بر اساس آن فتوا داده‌اند (۱) و برخی از آن با عنوان «معتبره ظریف» یاد کرده‌اند (۲). قاعده ترک برداشتن استخوان اعضای دارای دیه مقدر برای اولین بار در بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و رأی وحدت رویه شماره ۷۸۲-۱۹/۹/۱۳۹۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور پیش‌بینی گردید. با توجه به قاعده فقهی «کل ما لا تقدیر فیه فیه الارش» (۳-۴) و مواد ۵۶۸ و ۵۶۹ قانون اخیرالذکر، اعضای که طبق نصوص و فتاوا دیه مقدر ندارند و مشمول ارش می‌شوند، بالتبع ترک خوردگی آن‌ها نیز ارش دارد و ارش آن‌ها بر اساس ماده ۴۴۹ قانون یادشده با توجه به کیفیت جنایت و میزان تاثیر آن بر سلامتی مجنی‌علیه و نیز خسارات وارده، تعیین خواهد شد. راجع به پیشینه موضوع مورد پژوهش قابل ذکر است که اولاً در فقه امامیه موضوع دیه ترک برداشتن استخوان به صورت مصداقی و در رابطه با برخی از اعضای بدن در کتاب دیات مورد بحث قرار گرفته و در حوزه حقوق نیز موضوع مورد پژوهش با توجه به بدیع بودن و عدم پیشینه در قوانین گذشته، جدید بوده و فاقد پیشینه پژوهشی است، تنها تحقیقی که نزدیک به موضوع تحقیق حاضر به دست آمد، مقاله‌ای با عنوان «تأملی در قاعده دیه شکستگی استخوان‌ها» نوشته حسینعلی بای است که مربوط به بند «الف» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است و اساساً موضوع آن اعم از این پژوهش است. از نظر رویه قضایی حکم قاعده ترک برداشتن استخوان در آرای متعدد قضایی و نیز دو نظریه اداره کل حقوقی قوه قضاییه که در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ صادر شده منعکس است، اما هم در آرای قضایی و هم در نظریه‌های مزبور احکام متفاوتی در ارتباط با

۳- مصداق شناسی

در این بخش به بیان مصادیق فقهی و قانونی ترک خوردگی استخوان خواهیم پرداخت.

در منابع روایی و فقهی در حدود بیست مورد به بحث ترک برداشتن استخوان اعضای بدن اشاره شده که می توان آن ها را به سه دسته (ترقوه، دنده، دست و پا) تقسیم نمود و در ذیل هر یک فروعات مربوط را بیان خواهیم کرد.

۳-۱- **ترقوه (Clavicula):** برخی گفته اند ترقوه استخوانی است که بین گودی گلو و کتف قرار دارد (۱۱). در علم پزشکی ترقوه استخوان درازی است در بالا و جلوی سینه، این استخوان شانه و بازو را از بدن دور نگه می دارد و یک قسمت از وزن دست را روی استخوان سینه منتقل می کند. این استخوان در داخل به جلو محدب و در خارج به جلو مقعر است. در وسط سطح تحتانی سوراخ مغزی استخوان است و در انتهای داخلی سطح تحتانی، وسعت کوچک خشنی است که با آن رباط Costoclavicular می چسبد و در انتهای خارجی سطح تحتانی خط برجسته ای است به نام خط تراپزوئید و داخل آن برآمدگی Conoid است (۱۲).

«فی کسر الترقوة إذا جبرت علی غیر عثم و لا عیب أربعون دیناراً و فی صدعها أربعة أخماس دية كسرها؛ در صورتی که استخوان ترقوه بشکند و بدون عیب و نقص بهبود یابد، دیه آن چهل دینار می باشد و دیه ترک خوردن آن چهارپنجم دیه شکستن آن است» (۲). مستند این مطلب معتبره ظریف از امیرالمؤمنین (ع) است که بیان داشته: «دیه ترک برداشتن استخوان ترقوه چهارپنجم دیه شکستن آن، یعنی سی و دو دینار است» (۱۳). معتبره ظریف تنها حکم موردی را بیان کرده که استخوان ترقوه بشکند و بدون عیب و نقص خوب شود، ولی حکم صورتی که بهبودی حاصل نشود یا با عیب و نقص خوب شود را بیان نکرده است، در نتیجه در این موارد باید ارش تعیین شود (۲، ۴)، البته در ماده ۶۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است: «شکستن هر یک از استخوان های ترقوه در صورتی که... درمان نشود و یا با عیب درمان شود، موجب نصف دیه کامل است.» به نظر می رسد در فرض مسأله دیه ترک خوردن استخوان ترقوه که چهارپنجم دیه شکستن

حکم این قاعده منعکس شده است که علت این تفاوت در ادبیات پژوهشی تاکنون به کاوش و تحقیق گذاشته نشده است.

۲- مفهوم شناسی

در لسان العرب آمده است: «الصدعُ: الشَّقُّ فی الشَّیءِ الصُّلْبِ کالزُّجَاجِ و الحائط و غیرهما؛ ترک برداشتن، یعنی شکاف در چیزی سخت مانند شیشه و دیوار و مانند آن» (۵). در جایی دیگر بیان شده است: «الصدع: اصل صحیح یدل علی انفراج فی الشَّیءِ ترک برداشتن دلالت بر شکاف برداشتن چیزی دارد» (۶).

مصدر «صدع» در موارد متعددی در آیات قرآن کریم بیان شده است: ۱- در آیه ۱۲ سوره طارق بیان شده است: «و الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ؛ سوگند به زمینی که خاصیت شکافته شدن را دارد تا رویدنی ها از آن بروید»؛ ۲- در آیه ۲۱ سوره حشر آمده است: «لَرَأَيْتُهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ؛ می دیدی که کوه از ترس خدا خاشع و شکاف بردارنده است» ۳- آیه ۱۹ سوره واقعه بیان می دارد: «لَا يَصْدَعُونَ عَنْهَا وَلَا يَنْزِفُونَ؛ از شراب بهشتی سر درد نمی گیرند و مست نمی گردند». به عقیده راغب اصفهانی، سر درد را به طور استعاره «صداع» گویند، گویی سر از درد شکافته می شود (۷).

برخی از فقیهان امامیه ترک خوردن استخوان را این گونه تعریف کرده اند: «صدع العظم عبارة عن شقه من دون أن ينفصل، و هو فی المسمى فی عرفنا بالصدع؛ شکافتن استخوان بدون این که جدا شود، در عرف به آن ترک خوردن گفته می شود» (۸). برخی دیگر بیان داشته اند: «الصدع: الانفطار و هو حصول كسر بين جزئين من شئ واحد من دون انفصال كامل؛ ترک خوردن، یعنی شکافتن و آن عبارت است از شکاف و ترک بین دو جزء یک چیز بدون انفصال و جدایی کامل» (۹).

در علم پزشکی، شکستگی مویی را «Hair Line Fracture» گویند و یکی از اقسام شکستگی استخوان به اعتبار شکل ظاهری آن است که در رادیوگرافی به صورت یک ترک خوردگی دیده می شود و در حقیقت شکستگی ناکاملی است که تنها قسمتی از مقطع عرضی استخوان دچار گسیختگی می شود (۱، ۱۰).

دیه ترک خوردن هر یک از دنده‌های محیط به قلب، یک‌هشتادم دیه کامل است. دیه ترک خوردن هر یک از دنده‌های دیگر هفت‌هزارم دیه کامل... است.»

۳-۳- دست و پا: در این قسمت ابتدا به بررسی دیه ترک خوردگی دست و پا پرداخته می‌شود.

۳-۳-۱- دست: در تعریف دست برخی فرموده‌اند: «فإن اليد... هي الكف إلى الكوع؛ دست اسمی برای کف دست تا مچ (کوع) است» (۱۷). برخی دیگر بیان داشته‌اند: «به نظر می‌رسد دست مفهومی جامع است و از سر بازو تا انگشتان را دربر می‌گیرد و کف دست تا مچ کم‌ترین مصداق آن است (۲)، (۱۸). برخی دیگر گفته‌اند: «کلمه دست سه معنا دارد: ۱- از نوک انگشتان تا مچ؛ ۲- از نوک انگشتان تا مرفق؛ ۳- از نوک انگشتان تا شانه» (۱۹). در این بخش دیه ترک برداشتن استخوان منکب، ساعد، مرفق، کف دست و انگشتان دست مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۳-۱-۱- منکب (مفصل میان شانه و بازو) (Humerus): راغب اصفهانی می‌گوید: «الْمَنْكَبُ؛ مُجْتَمِعُ مَا بَيْنَ الْعَضْدِ وَالْكَفِّ؛ محل اتصال بازو و شانه را منکب گویند» (۲۰). در علم پزشکی، استخوان درازی است که در بالا با استخوان شانه و در پایین با استخوان بازو Radius و Ulna مفصل می‌شود (۱۲).

«فی کسر المنکب إذا جبر علی غیر عثم و لا عیب خمس دیه الید مائة دینار، و فی صدعه ثمانون دیناراً؛ دیه شکستن استخوان مفصل میان شانه و بازو در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، یک‌پنجم دیه دست (صد دینار) است و دیه ترک خوردن آن هشتاد دینار می‌باشد» (۲).

در متن روایت ظریف قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود ندارد و عبارت فقهای دیگر نیز مطلق است (۳، ۲۱)، اما برخی فقیهان همچون محقق خویی که عبارت ایشان در بالا بیان گردید، قید مزبور (إذا جبر علی غیر عثم و لا عیب) را آورده‌اند و آن را ناظر به فرض بهبودی کامل دانسته‌اند (۲).

۳-۳-۱-۲- ساعد (Antebrachium): ساعد شامل دو است (۸).

«فی کسر إحدى قصبتی الساعد إذا جبرت علی غیر عثم و لا عیب مائة دینار، و فی صدعها ثمانون دیناراً؛ دیه شکستن یکی از

آن اعلام شده ناظر به موردی است که شکستگی استخوان همراه با بهبودی بدون عیب باشد و ماده ۶۵۷ قانون یادشده که بیان داشته است: «دیه ترک خوردن هر یک از استخوان‌های ترقوه، سی و دو هزارم... دیه کامل است.» دلیلی روشن بر این مطلب است و سی و دو هزارم (۳/۲ درصد)، چهارپنجم دیه شکستن استخوان ترقوه در فرض درمان بدون عیب است که ۴٪ می‌باشد.

۳-۲- دنده‌ها (Costae): منظور از دنده‌ها دوازده جفت قوس استخوانی در زن و مرد هستند که در دو طرف قفسه سینه قرار دارند و از جلو به استخوان سینه به نام جناق و از عقب به ستون فقرات (مهره‌های سینه‌ای) متصل می‌شوند (۱۴-۱۵). برخی از دنده‌ها محیط به قلب هستند و برخی منتهی به پشت می‌شوند. مؤلف کتاب مصباح‌المنیر می‌گوید: «دنده عبارت از استخوان‌های پهلوها است» (۱۶). در علم پزشکی دنده بر سه نوع است: ۱- دنده‌های حقیقی (True ribs - Costae verae) هفت دنده اول که به توسط غضروف به استخوان سینه می‌چسبند؛ ۲- دنده‌های کاذب (False ribs - Costae spuriae) هشتمین، نهمین و دهمین دنده هستند که غضروفشان به غضروف دنده بالاتر می‌چسبند؛ ۳- دنده‌های موج یا (Floating ribs) یازدهمین و دوازدهمین دنده هستند که غضروفشان در جلو آزاد است (۱۲).

۳-۲-۱- دنده‌های محیط به قلب: «فی کسر کلّ ضلع من الأضلاع التي خالط القلب خمسة و عشرون دیناراً، و فی صدعه اثنا عشر دیناراً و نصف دینار؛ دیه شکستن استخوان هر یک از دنده‌های محیط به قلب بیست و پنج دینار و دیه ترک برداشتن آن دوازده و نیم دینار است» (۲).

۳-۲-۲- سایر دنده‌ها: «فی کسر کلّ ضلع من الأضلاع التي تلی العضدين عشرة دنانیر، و فی صدعه سبعة دنانیر؛ دیه شکستن هر یک از دنده‌های دیگر ده دینار است و دیه ترک برداشتن آن‌ها هفت دینار می‌باشد» (۲).

در خصوص شکستن و ترک برداشتن استخوان دنده‌ها، نه در روایت ظریف و نه در عبارت فقیهان قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود ندارد و عبارت اطلاق دارد. در ماده ۶۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این خصوص آمده است: «...»

دو استخوان ساعد در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، صد دینار است و دیه ترک خوردن آن هشتاد دینار می‌باشد» (۲). در خصوص ساعد نیز قید «بهبودی بدون عیب» وجود دارد و در صدر روایت ظریف به آن اشاره شده و ناظر به هر دو استخوان زند اعلی و زند اسفل است؛ عبارت فقهی یادشده نیز در همین راستا است. بنابراین در اینجا نیز دیه ترک خوردگی استخوان ناظر به فرض بهبودی بدون عیب و نقص است و این که قاعده ترک خوردگی صادق است، البته با این قید که شامل فرض بهبودی کامل می‌شود.

۳-۱-۳-۳- مرفق (آرنج) (Cubitus): مرفق مفصل بین بازو و ساعد دست را گویند (۸). برخی دیگر گفته‌اند: محل اتصال ذراع به بازو را مرفق گویند (۲۲).

«فی کسر المرفق إذا جبر علی غیر عثم و لا عیب مائة دینار و فی صدعه ثمانون دیناراً؛ دیه شکستن استخوان آرنج در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، صد دینار است و دیه ترک خوردن آن هشتاد دینار می‌باشد» (۲).

در خصوص آرنج نیز به قید «بهبودی بدون عیب» در روایت اشاره شده است. بنابراین در اینجا نیز دیه ترک خوردگی استخوان ناظر به فرض بهبودی بدون عیب و نقص است. در این فقره از روایت نیز تصریح گردیده که دیه ترک خوردن چهارپنجم دیه شکستن است، البته دیه شکستنی که بدون عیب درمان شود.

۴-۱-۳-۳- کف دست (Palmaris): «فی کسر الکفّ إذا جبرت علی غیر عثم و لا عیب أربعون دیناراً، و فی صدعها اثنان و ثلاثون دیناراً؛ دیه شکستن استخوان کف دست در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، چهل دینار است و دیه ترک خوردن آن سی و دو دینار می‌باشد» (۲). در مستند روایی این فقره آمده است: «فی الکفّ... دیه صدعها أربعة أخماس دیه کسرها اثنان و ثلاثون دیناراً» (۱۳).

۵-۱-۳-۳- انگشتان دست: در اینجا دیه ترک خوردگی انگشت شست و دیگر انگشتان بیان می‌شود.

- انگشت ابهام (شست): این انگشت دارای دو بند و استخوان است، یکی استخوانی که متصل به کف دست است

(مفصل پایین) و دیگری استخوانی که ناخن در آن قرار دارد (مفصل بالا).

استخوان مفصل پایین: «فی کسر قصبة إبهام الکفّ إذا جبرت علی غیر عثم و لا عیب ثلاثة و ثلاثون دیناراً و ثلث دینار، و فی صدعها ستة و عشرون دیناراً و ثلثا دینار؛ دیه شکستن استخوان هر بندی از انگشت ابهام در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، سی و سه دینار و یک‌سوم دینار است و دیه ترک خوردن آن بیست و شش دینار و دوسوم دینار می‌باشد» (۲).

در این فقره نیز در روایت قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود دارد و دیه ترک خوردگی ناظر به شکستگی بدون عیب و نقص است و قاعده ترک برداشتن که چهارپنجم دیه شکستن است، نیز در اینجا صادق می‌باشد.

استخوان مفصل بالا: «فی کسر المفصل الذی فیهِ الظفر من الإبهام فی الکفّ إذا جبر علی غیر عیب و لا عثم ستة عشر دیناراً و ثلثا دینار... و فی صدعها ثلاثة عشر دیناراً و ثلث دینار؛ دیه شکستن استخوان مفصلی که در آن ناخن انگشت ابهام کف دست در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، شانزده دینار و دوسوم دینار است و دیه ترک خوردن آن سیزده دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد» (۲).

در این فقره نیز در روایت قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود دارد و دیه ترک خوردگی ناظر به شکستگی بدون عیب و نقص است و منطبق با قاعده ترک خوردن که چهارپنجم دیه شکستن است، می‌باشد.

- سایر انگشتان: هر یک از انگشتان چهارگانه دست دارای سه مفصل پایینی، میانی و بالایی است.

مفصل پایین: «فی کسر کلّ مفصل من الأصابع الأربع التي تلي الکفّ غیر الإبهام ستة عشر دیناراً و ثلثا دینار، و فی صدع کلّ قصبة منهنّ ثلاثة عشر دیناراً و ثلث دینار؛ دیه شکستن استخوان مفصل هر یک از بندهای انگشتان غیر از انگشت ابهام که متصل به کف دست است، شانزده دینار و دوسوم دینار است و دیه ترک خوردن آن سیزده دینار و یک‌سوم دینار می‌باشد» (۲).

دیه مرد است و در صورت بهبودی با عیب و نقص یک سوم دیه مرد است و دیه ترک برداشتن آن هشتاد دینار است» (۲).

در این فقره از روایت ظریف نیز قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود دارد و قرینه دیگری که در این مورد دیده می شود که در موارد دیگر نبوده این است که فرض بهبودی با عیب را مطرح کرده است و به دنبال آن دیه ترک خوردگی بیان شده است که چهارپنجم دیه شکستن است و میزان دیه ترک خوردگی دقیقاً ناظر به فرض شکستگی همراه با بهبودی کامل می باشد.

۳-۳-۲-۳- زانو (Genu): مفصل زانو بین انتهای تحتانی استخوان ران و انتهای فوقانی تیبیا و کشکک زانو است و از نوع لولایی است و کمی هم چرخش دارد (۱۲).

«فی کسر الركبة إذا جبرت علی غیر عثم و لا عیب مائة دینار، و فی صدعها ثمانون دیناراً؛ دیه شکستن زانو (رکبه) در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، صد دینار است و دیه ترک برداشتن آن هشتاد دینار است» (۲).

به نظر می رسد که در این فقره نیز با توجه به عبارت (بهبودی بدون عیب و نقص) دیه ترک خوردن استخوان ناظر به دیه شکستگی همراه بهبودی است.

۳-۳-۲-۴- ساق پا (Crus Crura): ساق پا دو استخوان دارد: ۱- استخوان داخلی که حجیم است و Tibia نام دارد؛ ۲- استخوان خارجی که نازک است و Fibula گفته می شود و این دو در پایین و بالا با هم مفصل می شوند (۱۲).

«فی کسر الساق إذا جبرت علی غیر عثم و لا عیب مائة دینار، و مع العثم مائة و ستون دیناراً و ثلثا دینار، و فی صدعها ثمانون دیناراً؛ دیه شکستن ساق در صورتی که بدون عیب و نقص بهبود یابد، صد دینار است و در صورت بهبودی با عیب و نقص صد و شصت دینار و دوسوم دینار است و دیه ترک برداشتن آن هشتاد دینار است» (۲).

در روایت ظریف آمده است: «و فی الساق إذا كسرت فجبرت علی غیر عثم و لا عیب خمس دية الرجلین مائتا دینار، و دية صدعها أربعة أخماس دية كسرهما مائة و ستون دیناراً... فإن عثم الساق فديتها ثلث دية النفس ثلاثمائة و ثلاثة و ثلاثون دیناراً و ثلث دینار» (۱۳) منظور از ساق در روایت هر دو ساق است. بنابراین

مفصل میانی: «فی کسر المفصل الأوسط من الأصابع الأربع أحد عشر دیناراً و ثلث دینار و فی صدعه ثمانية دنانیر و نصف دینار؛ دیه شکستن استخوان مفصل وسط هر یک از بندهای انگشتان، یازده دینار و یک سوم دینار است و دیه ترک خوردن آن هشت و نیم دینار می باشد» (۲).

مفصل بالا: «فی کسر المفصل الأعلى من الأصابع الأربع خمسة دنانیر و أربعة أخماس دینار، و فی صدعه أربعة دنانیر و خمس دینار؛ دیه شکستن استخوان مفصل بالای انگشتان چهارگانه، پنج دینار و چهارپنجم دینار است و دیه ترک خوردن آن چهار دینار و یک پنجم دینار می باشد» (۲).

در این سه فقره از روایت ظریف قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود ندارد و عبارت اطلاق دارد.

۳-۳-۲- پا: به بیخ ران تا سر پنجه پای اطلاق و شامل ران و زانو و ساق و قدم می شود و گاهی به معنی قسمت زیرین پا است که در عربی به آن قدم گویند (۱۶، ۲۳). استخوان بندی پا از سه قسمت تشکیل شده است: مچ پا (Tarsus)، استخوان های پشت پا (Metatarsus) و بند انگشت (Phalanges) (۱۲). در این بخش به بررسی دیه ترک خوردن مفصل ران، ران، زانو، ساق و انگشتان پا پرداخته می شود.

۳-۳-۲-۱- مفصل ران (Articulatio Coxae): «فی الورك إذا كسر فجبر علی غیر عثم و لا عیب خمس دية الرجل و فی صدعه أربعة أخماس دية كسره؛ دیه استخوان بالای ران (ورك) در صورتی که بشکند و بدون عیب و نقص بهبود یابد، یک پنجم دیه مرد (صد دینار) است و دیه ترک برداشتن آن چهارپنجم دیه شکستن آن (هشتاد دینار) است» (۲).

در این فقره نیز در روایت ظریف قید «بهبودی بدون عیب و نقص» (جبر علی غیر عثم و عیب) وجود دارد و دیه ترک خوردگی ناظر به شکستگی بدون عیب و نقص است.

۳-۳-۲-۲- ران (Femor): «فی الفخذ إذا كسرت فجبرت علی غیر عثم و لا عیب خمس دية الرجل، فإن عثمت فديتها ثلث دية الرجل و فی صدعها ثمانون دیناراً؛ دیه استخوان ران در صورتی که بشکند و بدون عیب و نقص بهبود یابد، یک پنجم

دیه یک ساق صد دینار است. در این فقره از روایت دو قرینه وجود دارد که دیه ترک خوردن ناظر به دیه شکستن همراه با بهبودی بدون عیب و نقص است: ۱- قید عبارت «جبرت علی غیر عثم و لا عیب» که ناظر به بهبودی بدون عیب و نقص است؛ ۲- قید عبارت «فان عثم الساق» در انتهای این فقره از روایت ظریف و «مع العثم» در عبارت فقهی یادشده که فرض دیه شکستن همراه با بهبودی با عیب را بیان کرده است که چهارپنجم دیه ترک خوردن ناظر به فرض بهبودی کامل و بدون عیب و نقص است نه بهبودی با عیب.

۵-۲-۳-۳- انگشتان پا: در اینجا به بررسی دیه ترک برداشتن انگشت شست و سایر انگشتان پا می پردازیم.
- انگشت ابهام (شست): انگشت شست (ابهام) دارای دو استخوان است، یکی استخوانی که متصل به کف پا است (مفصل پایین) و دیگری استخوانی که ناخن در آن قرار دارد (مفصل بالا).

مفصل پایین: «دیه کسر قصبة الإبهام التي تلي القدم كدیه قصبة الإبهام من اليد... وكذلك الحال في صدعها؛ دیه شکستن استخوان بند انگشت ابهام پا که متصل به پا است همانند دیه بند انگشت ابهام دست است و دیه ترک خوردن آن بیست و شش دینار و دوسوم دینار است» (۲).

مفصل بالا: «و دیه کسر الأعلى من الإبهام و هو الثاني الذي فيه الظفر كدیه کسر الأعلى من الإبهام في اليد و كذلك الحال في... صدعها؛ دیه شکستن استخوان بالایی بند انگشت ابهام پا همان بند دومی که ناخن در آن قرار دارد، همانند دیه شکستن استخوان بالایی بند انگشت ابهام دست است و دیه ترک خوردن آن مشابه همان است» (۲).

در این دو فقره از روایت ظاهراً قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود ندارد، ولی قاعده ترک خوردگی صادق است و نسبت بین دیه ترک خوردن و شکستن چهارپنجم می باشد.

- سایر انگشتان: «و فی کسر قصبة كل من الأصابع الأربعه سوى الإبهام ستة عشر دیناراً و ثلثا دیناراً و دیه صدعها ثلاثة عشر دیناراً و ثلث دینار؛ دیه شکستن استخوان هر بندی از انگشتان چهارگانه غیر از انگشت ابهام، شانزده دینار و دوسوم دینار

است و دیه ترک خوردن آن سیزده دینار و یک سوم دینار است» (۲).

هر یک از انگشتان چهارگانه دارای سه مفصل پایینی و میانی و بالایی است.

مفصل پایین: «فی کسر المفصل الأخير من كل من الأصابع الأربع من القدم غیر الإبهام ستة عشر دیناراً و ثلث دینار، و فی صدعها ثلاثة عشر دیناراً و ثلث دینار؛ دیه شکستن مفصل آخر هر یک از انگشتان چهارگانه پا غیر از انگشت ابهام شانزده دینار و یک سوم دینار است و دیه ترک خوردن آن سیزده دینار و یک سوم دینار است» (۲).

مفصل میانی: «و فی کسر المفصل الأوسط من الأصابع الأربع أحد عشر دیناراً و ثلثا دینار و فی صدعها ثمانية دنانیر و أربعة أخماس دینار؛ دیه شکستن مفصل میانی هر یک از انگشتان چهارگانه پا، یازده دینار و دوسوم دینار است و دیه ترک خوردن آن هشت دینار و چهارپنجم دینار است» (۲).

مفصل بالا: «و دیه کسر المفصل الأعلى منها كدیه فی اليد، و كذلك فی صدعها؛ دیه شکستن مفصل بالایی هر یک از انگشتان چهارگانه پا، همانند دیه آن در دست است و دیه ترک خوردن آن نیز مشابه آن است» (۲).

در این چهار فقره از روایت در دیه ترک برداشتن استخوان مفاصل انگشتان پا، قید «بهبودی بدون عیب و نقص» وجود ندارد و در سه مورد اخیر نسبت بین دیه ترک خوردگی و شکستن دقیقاً چهارپنجم نیست و مقدار دیه ترک خوردگی کم تر است.

۴- قاعده فقهی در ترک برداشتن استخوان

در خصوص ترک برداشتن استخوان همانند شکستگی استخوان قاعده ای مصرح وجود ندارد و تنها در ذیل دیات برخی از اعضا به دیه ترک خوردن آن عضو اشاره شده است. با استفاده از مصادیق ترک خوردگی مذکور در مبحث مصداق شناسی می توان این قاعده را اصطیاد کرد که «دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو در صورت بهبودی بدون عیب و نقص است»، البته این قاعده در خصوص اعضایی است که دارای دیه مقدر است و

چنانچه عضوی دیه مقدر نداشته باشد، دیه ترک خوردگی آن «ارش» دارد.

۱-۴- سیر تطور قاعده ترک برداشتن در فقه: در

متون روایی و فقهی، از ترک خوردن با عنوان «صدع» یا «انصداع» یاد می‌شود. این تعبیر در حدیث معتبره ظریف که مستند بسیاری از مقادیر دیات است، بیست و پنج بار به کار رفته است که البته یک مرتبه در خصوص شکاف در صورت و دو مرتبه در رابطه با ترک دندان است که هیچ یک موضوع بحث نیست. در عبارات فقیهان متقدم همچون شیخ طوسی در النهایه و شیخ مفید در المقنعه و ابن ادریس در السرائر و محقق حلی در شرایع الاسلام و علامه حلی در قواعد الاحکام نیز این تعبیر تنها در خصوص ترک خوردن دندان به کار رفته است. به نظر می‌رسد اولین کسی که ترک خوردن استخوان را به طور کلی مورد توجه قرار داده محمد بن علی طوسی مشهور به ابن حمزه صاحب کتاب «الوسیله الی نیل الفضیله» از پیروان مکتب شیخ طوسی است که در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم قمری می‌زیسته است. ایشان پس از بیان دیه اعضای بدن بیان می‌دارد: «و فی صدع العضو أربعة أخماس دیه کسرها» (۲۴)، یعنی دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است. پس از ابن حمزه، قطب الدین بیهقی کیدری مؤلف اصباح الشیعه تنها به دیه ترک خوردن سه عضو (دنده، ورک و زانو) اشاره داشته است، ولی باز هم در جایی که در مقام بیان قواعد شکستگی، خردشدگی، موضحه و جابجایی استخوان بوده است ذکر از قاعده ترک خوردگی نمی‌کند (۲۵). پس از کیدری نیز یحیی بن سعید حلی معروف به ابن سعید که در قرن هفتم می‌زیسته، در کتاب الجامع للشرایع به تفصیل و بر اساس معتبره ظریف بن ناصح و بدون ذکر قاعده و ضابطه‌ای به ترک برداشتن استخوان اعضای بدن پرداخته است (۲۱). مقدس اردبیلی از فقیهان امامیه در قرن دهم قمری نیز در کتاب مجمع الفائدة و البرهان تنها به ترک خوردن استخوان سه عضو (مفصل میان شانه و بازو «منکب»، زانو و ترقوه) اشاره کرده است (۳). فاضل هندی از فقهای قرن یازدهم در «کشف اللثام» پس بیان دیه شکستن اعضا از قول شیخ طوسی

در کتاب تهذیب الاحکام می‌فرماید: «و قد ذکر فی صدع أكثر هذه الأعضاء أنَّ فيه أربعة أخماس دیه کسرها» (۲۶) و سپس به بیان قاعده فوق از لسان ابن حمزه می‌پردازد. پس از ایشان علامه مجلسی فرموده است: «كانت القاعدة فی الصدع أربعة أخماس دیه الكسر» (۲۷). سیدعلی طباطبایی صاحب «ریاض المسائل» از فقیهان قرن دوازدهم بیان داشته است: «و فی صدع العضو أربعة أخماس دیه الكسر» (۲۸). در میان متاخرین نیز آیت‌ا... خویی در کتاب دیات مبانی تکمله المنهاج در فصل دیات الكسر و الصدع و... بحث جامعی در این خصوص نموده است.

۲-۴- مستند فقهی: مستند فقهی قاعده ترک برداشتن

استخوان روایت معتبر ظریف بن ناصح است که مشهور فقیهان (۱) آن را معتبر دانسته و بر اساس آن فتوا داده‌اند. محدث کلینی (۲۹) و شیخ حر عاملی (۱۳) روایت ظریف را تقطیع نموده‌اند و هر قسمت روایت را در باب خاص آن آورده‌اند و شیخ صدوق (۳۰) و شیخ طوسی (۳۱) روایت ظریف را یک جا نقل کرده‌اند. در این روایت در حدود بیست مورد به بحث ترک برداشتن استخوان اعضای بدن پرداخته است. در متن این روایت در بیش از ده مورد (ترقوه، منکب، ساعد، مرفق، مفصل تحتانی و فوقانی انگشت ابهام، ورک، فخذ، رگبه، ساق) که در مقام بیان دیه ترک خوردگی استخوان است ملاک احتساب دیه آن را متفرع بر شکستگی بدون عیب و نقص می‌داند و دیه ترک خوردگی پس از عبارت «إذا جبر علی غیر عثم و لا عیب» آمده است که بیانگر فرض بهبودی کامل و بدون عیب و نقص است و در موارد دیگر روایت اطلاق دارد و قید بهبودی بدون عیب و نقص ذکر نشده است. از بین فقیهان امامیه ابن سعید حلی (۲۱) و محقق خویی (۲) به تفصیل و به صورت کامل‌تری به بررسی دیه ترک خوردگی استخوان اعضای بدن پرداخته‌اند. عبارت فقیهان در بیان قاعده مطلق است، ولی ممکن است گفته شود با توجه به مصادیق ذکر شده در روایت ظریف قاعده ترک خوردگی استخوان ناظر به فرض دیه شکستگی در فرض درمان بدون عیب و نقص است، شاید به همین دلیل علامه مجلسی می‌فرماید: «فإن مع الجبر علی غیر عثم فيه أربعة أخماس دیه الكسر موافقاً لدیه الصدع» (۲۷).

۳-۴- استثنائات قاعده: برخی موارد از قاعده

ترک خوردگی استخوان استثنا است و دیه آن چهارپنجم دیه شکستن نیست و حکم خاص خود را دارد: ۱- دیه ترک برداشتن استخوان دنده‌ها اعم از دنده‌های محیط به قلب و دنده‌های متصل به پشت؛ ۲- دیه ترک برداشتن مفاصل تحتانی و میانی و فوقانی انگشتان چهارگانه پا (۱۳).

۵- جایگاه قاعده ترک برداشتن استخوان در قانون و

رویه قضایی

دیه ترک برداشتن استخوان در بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اولین بار پیش‌بینی شده است. قانونگذار در این بند دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو را چهارپنجم دیه شکستن آن عضو می‌داند و در بند «الف» همین ماده دیه شکستن استخوان هر عضو را یک‌پنجم همان عضو می‌داند و اگر شکستگی استخوان هر عضو بدون عیب درمان شود دیه آن چهارپنجم دیه شکستن است. بنابراین دیه شکستن استخوان در دو حالت تفاوت دارد، ولی در مورد ترک برداشتن تنها به این بسنده کرده است که دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است و تفصیلی بین حالت درمان بدون عیب و درمان با عیب قائل نشده و این امر موجب اختلاف برداشت بین اندیشمندان حقوق و رویه قضایی در رسیدگی به پرونده‌های قضایی شده است.

۱-۵- دیه ترک برداشتن بر مبنای درمان شکستگی

استخوان به صورت معیوب: برخی معتقدند این‌که در بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، دیه ترک برداشتن را چهارپنجم شکستن آن عضو می‌داند اشاره به قسمت اول بند «الف» ماده یادشده دارد، یعنی چهارپنجم از یک‌پنجم. به عنوان مثال دیه یک دست اگر قطع شود، پانصد دینار (نصف دیه کامل) است که دیه شکستن آن صد دینار و دیه ترک خوردن عضو هشتاد دینار (۸/۱) می‌شود. استدلال این گروه به این شرح است: در ترک خوردگی برخلاف دو مورد مذکور در بند «الف» و «ب»، یعنی شکستن و خرد شدن استخوان دو حالت درمان بدون عیب و درمان با عیب ذکر نشده است و به اصطلاح اصولیین ترک استفصال مفید عموم است (۳۲) و شامل هر دو شق و فرض می‌شود. در نتیجه از

آنجا که در بند «پ» دیه ترک برداشتن به دیه شکستن مرتبط گشته و در خود ترک برداشتن استفصال نشده، باید گفت دیه آن چهارپنجم از یک‌پنجم آن عضو مورد نظر قانونگذار است. بنابراین سیاق عمومی این ماده اقتضای این را دارد که ترک برداشتن استخوان را تنها در یک فرض پذیرا باشیم و وضعیت بهبود را در آن بی‌تأثیر بدانیم و لااقل در این حد برای حکمت قانونگذار ارزش قائل شویم. دلیل دیگر این‌که مراد قانونگذار از چهارپنجم دیه شکستن استخوان که در بند «پ» آمده، چهارپنجم از یک‌پنجم است که در ذیل بند «الف» وقتی می‌خواهد دیه شکستگی استخوان پس از درمان را بیان کند می‌گوید چهارپنجم دیه شکستگی استخوان، یعنی چهارپنجم از یک‌پنجم (۳۳). به عبارت دیگر این‌که با توجه به بند «الف» ماده فوق‌الذکر که اصطلاح شکستگی را در مقابل شکستگی بدون عیب به کار برده، می‌توان دریافت مراد از شکستگی در بند «پ» نیز شکستگی بدون عیب نیست. دیدگاه فوق‌الظاهر نظر مشهور بین حقوقدانان و رویه قضایی در محاکم دادگستری استان خراسان رضوی است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه ۷/۹۶/۱۵۷ مورخ ۱۳۹۶/۲/۴ بیان داشته است: «مطابق بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو، چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است. بنابراین در مورد ترک برداشتن استخوان هر عضو، فرض درمان بدون عیب یا با عیب مطرح نیست.»

۲-۵- دیه ترک برداشتن بر مبنای درمان شکستگی

استخوان بدون عیب: برخی دیگر معتقدند این‌که در بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی دیه ترک خوردن را چهارپنجم شکستن آن عضو می‌داند، اشاره به قسمت دوم بند «الف» ماده یادشده دارد، یعنی چهارپنجم از چهارپنجم از یک‌پنجم. به عنوان مثال دیه یک دست اگر قطع شود پانصد دینار (نصف دیه کامل) است که دیه شکستن آن صد دینار و اگر شکستگی همراه با بهبودی باشد، دیه آن هشتاد دینار و دیه ترک برداشتن استخوان این عضو شصت و چهار دینار (۴/۶ درصد) می‌شود. استدلال این گروه این است که اولاً ترک خوردگی نوع خفیف شکستگی و طبیعتاً دیه آن کم‌تر از

شکستگی استخوان است و منطقی نیست که دیه آن با موردی که استخوان بشکند و بدون عیب درمان شود، یکسان باشد؛ ثانیاً ترک برداشتن استخوان در اغلب موارد بدون عیب درمان می‌شود و فرض درمان معیوب نادر است، لذا در این بند تفصیلی بین حالت درمان بدون عیب و درمان با عیب قائل نشده است. این نظریه در رویه قضایی محاکم دادگستری ظاهراً در اقلیت قرار دارد.

۳-۵- دیه ترک برداشتن بر مبنای درمان با عیب و

بدون عیب شکستگی استخوان (نظریه تفصیل): بر اساس این نظریه تعیین دیه ترک برداشتن استخوان تابعی از وضعیت درمان‌پذیری آن است با این توضیح که اگر ترک خوردگی استخوان بدون عیب درمان شود، دیه آن به مأخذ شکستن استخوانی تعیین می‌شود که بدون عیب درمان شود، یعنی دیه آن چهارپنجم از چهارپنجم خواهد بود، زیرا حسب الفرض ترک خوردگی بدون عیب درمان شده است، اما در فرضی که ترک خوردگی با عیب درمان شود، دیه آن چهارپنجم از یک‌پنجم خواهد بود، زیرا ترک خوردگی با عیب درمان شده و دیه آن باید همانند اصل شکستگی متفاوت از وضعیتی باشد که بدون عیب درمان شده است. ادله این برداشت عبارتند از:

۱-۳-۵- قاعده توزیع: در ادبیات عرب قاعده‌ای است با عنوان «مقابلة الجمع بالجمع يقتضي التوزيع» در مقابل جمع، وقتی از لفظ جمع استفاده می‌شود «اقتضای توزیع می‌کند، مثلاً هنگامی که فرمانده لشکر می‌گوید: «یا خیل الله اركبوا خيولکم؛ ای لشکر خدا بر اسب‌هایتان سوار شوید» به معنای این است که هر کسی سوار اسب خودش شود نه این‌که همه مجاز باشند سوار هر اسبی شوند. در اینجا نیز چون فروض ترک خوردگی متعدد است (درمان معیوب و صحیح) حکم آن هم متعدد شده و توزیع می‌شود، یعنی توزیع حکم به دلیل تعدد موضوع است. بنابراین ادعای ترک استفصال مسموع نیست، زیرا حسب الفرض و قاعده توزیع، استناد ترک استفصال به قانونگذار مانند استناد آن به فرمان فرمانده سپاه قابل پذیرش نیست، زیرا مقابله حکم و موضوع و تعدد آن‌ها مقتضی توزیع و مستلزم این است که حکم هر فرد از ترک خوردگی

متناسب با موضوع آن باشد، البته شاید در این خصوص گفته شود که بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نمی‌تواند بستر جریان قاعده توزیع باشد - بر فرض پذیرش جریان آن در متون قانونی - زیرا در این بند آمده است: «دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو چهارپنجم دیه شکستن آن عضو است» که تنها از یک موضوع سخن به میان آمده است. آری می‌توان برای این موضوع واحد مصادیق گوناگون فرض کرد و یا این‌که دو فرد کلی برای آن تصور نمود، اما تعدد موضوع فرضی، با تعدد موضوع واقعی که مقوم بستر تحقق قاعده توزیع می‌باشد، متفاوت است.

۲-۳-۵- مقتضای قاعده جمع: در یازده فقره از روایت ظریف دیه ترک خوردگی ناظر بر فرض شکستگی همراه با درمان بدون عیب است و نه مورد دیگر عبارت مطلق است و می‌توان نتیجه گرفت آن مواردی که حکم را مقید به درمان بدون عیب کرده است حمل بر فرضی شود که ترک خوردگی بدون عیب است و آن مواردی که این قید را ندارد، بر فرض ترک خوردگی معیوب حمل نمود و با قاعده «الجمع مهما امکن» نیز موافق است. ممکن است بیان شود آنچه جمع روایات اقتضا می‌کند حمل مطلق بر مقید است، ولی باید گفت که در اینجا یک روایت وجود دارد که حسب موارد و فقرات مذکور در آن مشتمل بر دو فرض است و الا می‌توانست با ذکر یک قاعده کلی حکم تمامی موارد و مصادیق ترک برداشتن استخوان اعضای بدن را بیان می‌کرد و نیازی به تحقیق شقوق نبود.

۳-۳-۵- قاعده انصاف: وقتی که فرض ترک خوردگی با عیب چهارپنجم از یک‌پنجم است انصاف نیست که فرض ترک خوردگی بدون عیب هم همان مقدار را قائل باشیم، زیرا حسب الفرض صدمه و آثار آن متفاوت است، لذا انصاف آن است که میزان دیه‌ای که برای جبران آن صدمه هست نیز متفاوت باشد.

۴-۳-۵- عقل و اولویت: دلالت این دلیل بر مدعا بر اساس محاسبات ریاضی و منطقی است، زیرا حسب الفرض ترک خوردگی با عیب دارای اثری بزرگ‌تر است و صدمه‌ای بیشتر از ترک خوردگی بدون عیب دارد و منطق ریاضی حکم می‌کند

که صدمه بزرگ‌تر مستلزم دیه بیشتر باشد و بر این اساس که احکام ریاضی‌گونه و منطقی، جزء مستقلات عقلیه است می‌توانیم دلالت عقل را بر مدعا مطرح کنیم، مگر این‌که مدعی شویم که روابط ریاضی‌گونه و قضایای منطقی جزء مستقلات عقلیه نباشد، در نتیجه می‌توانیم حکم کنیم که مثلاً ۳ از ۲ کوچک‌تر است در این صورت دلالت عقل بر مدعا مشکوک خواهد بود و بر اساس قاعده «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» هرآنچه که عقل بر آن حکم کند، مورد تأیید شرع نیز می‌باشد، هرچند شاید جریان قاعده انصاف و عقل و اولویت در موارد دیات اندکی دشوار باشد و به تنهایی نتواند مثبت یا نافی حکمی باشد.

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۹۵/۴۷۷ مورخ ۱۳۹۵/۳/۵ در پاسخ استعلام نگارندگان این‌گونه اظهار نظر کرده است: «مقنن طبق بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، دیه ترک‌برداشتن استخوان هر عضو را چهارپنجم دیه شکستن آن عضو اعلام نموده است که حسب مورد بر اساس نظریه پزشکی قانونی، برابر بند «الف» ماده ۵۶۹ قانون مذکور تعیین می‌شود.» بنابراین به نظر می‌رسد دیدگاه تفصیل که دیدگاه مختار نگارندگان می‌باشد و اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز قائل به آن است با موازین شرعی و قانونی انطباق بیشتری دارد.

نماینده دادستان کل کشور در گزارش مذکور در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ در روزنامه رسمی شماره ۲۱۸۱۶ - ۱۳۹۸/۱۱/۱۵، نیز نظریه تفصیل را برگزیده و بیان داشته است: اولاً بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی، دیه ترک‌برداشتن استخوان هر عضو را به طور کلی به دیه شکستن استخوان آن عضو ارجاع داده است و چون در میزان دیه شکستن استخوان هر عضو قانونگذار به موجب بند «الف» همان قانون کیفیت درمان را مؤثر دانسته است، علی‌الاصول در میزان دیه ترک‌برداشتن استخوان نیز کیفیت درمان مؤثر بوده و باید قائل به تفصیل شویم؛ ثانیاً اقتضای عملی تعیین دیه ترک‌برداشتن هر استخوانی، بدواً تعیین میزان دیه شکستن همان استخوان است و چون در تعیین دیه شکستن استخوان هر عضو، لاجرم باید نتیجه

درمان را لحاظ نمود، این امر به نحو اتوماتیک در تعیین دیه ترک‌برداشتن نیز اعمال خواهد شد؛ ثالثاً ترک‌برداشتن نوعی شکستگی میکروسکوپی است و حتی با فرض این‌که اساساً موضوع عیب قابلیت تحقق نداشته باشد که نظریات پزشکی قانونی موجود برخلاف آن است، باز هم باید در میزان تعیین دیه بر موضع خویش در بند «الف» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی اصابت نماید؛ رابعاً از آنجا که در موضوعات مطروحه در کلیه پرونده‌ها ترک‌برداشتن استخوان، بدون عیب بهبود یافته است، میزان دیه متعلقه قانونی مطابق بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی ناظر بر قسمت دوم بند «الف» آن، چهارپنجم از چهارپنجم از یک‌پنجم از یک‌دوم دیه کامل مرد مسلمان می‌باشد.

۶- پس از پایان پژوهش

پس از نگارش مقاله، گزارش جامعی تهیه و مراتب اختلاف نظر محاکم به دیوان عالی کشور ارسال شد و موضوع در هیأت عمومی وحدت‌رویه مطرح گردید و مبنای این پژوهش به داوری قضات دیوان عالی کشور گذاشته شد و از ۱۰۶ نفر اعضای حاضر در جلسه، ۸۲ نفر به موجب رأی وحدت‌رویه شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ بیان نمودند که دیه ترک‌برداشتن استخوان هر عضو، در صورتی که بدون عیب درمان شود، چهارپنجم از چهارپنجم از یک‌پنجم دیه آن عضو خواهد بود.

اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه ۷/۹۸/۱۶۹۱ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ بیان داشته است: «با توجه به رأی وحدت‌رویه شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۹۸/۹/۱۹ دیوان عالی کشور که در آن تصریح شده است: «مطابق مقررات بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دیه ترک‌برداشتن استخوان هر عضو، چهارپنجم دیه شکستگی التیام‌یافته بدون عیب همان عضو است و چون دیه شکستگی استخوان که بدون عیب درمان شود، چهارپنجم از خمس دیه آن عضو است...»، لذا در فرض سؤال که دیه یا نصف دیه کامل می‌باشد، مقدار دیه ترک‌برداشتن استخوان ساق پا، چهارپنجم از چهارپنجم از خمس نصف دیه کامل خواهد بود.»

نتیجه گیری

ترک برداشتن استخوان یکی از قواعد مربوط به دیه صدمات استخوان است که با بررسی متون فقهی و مصادیق آن در مبحث دیات می توان به یک قاعده کلی در این خصوص دست یافت. در مبانی روایی و فقهی در حدود بیست مورد به ترک برداشتن استخوان اعضای بدن اشاره شده که آن ها در سه دسته (ترقوه، دنده، دست و پا) تقسیم بندی شده اند. قاعده ترک برداشتن استخوان اعضای دارای دیه مقدر برای اولین بار در بند «پ» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش بینی گردید. قانونگذار در این بند دیه ترک برداشتن استخوان هر عضو را چهارپنجم دیه شکستن آن عضو می داند و در بند «الف» همین ماده دیه شکستن استخوان هر عضو را یک پنجم همان عضو می داند و اگر شکستگی استخوان هر عضو بدون عیب درمان شود، دیه آن چهارپنجم دیه شکستن آن است. بنابراین دیه شکستن استخوان در دو حالت، دیه متفاوت دارد، ولی در مورد ترک برداشتن، تفصیلی در رابطه با درمان بدون عیب و درمان با عیب قائل نشده است. در رویه قضایی دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی دیه ترک خوردن را ناظر به قسمت اول بند «الف» ماده ۵۶۹ قانون مجازات اسلامی می دانند، یعنی چهارپنجم از یک پنجم، اما برخی دیگر معتقدند دیه ترک برداشتن ناظر به قسمت دوم بند «الف» ماده یاد شده است، یعنی چهارپنجم از چهارپنجم از یک پنجم. به نظر می رسد نظریه تفصیل که معتقد است دیه ترک برداشتن استخوان تابعی از وضعیت درمان پذیری آن است - با این توضیح که اگر ترک خوردگی استخوان بدون عیب درمان شود، دیه آن به ماخذ شکستن استخوانی تعیین می شود که بدون عیب درمان شود، یعنی دیه آن چهارپنجم از چهارپنجم از یک پنجم خواهد بود، اما اگر ترک خوردگی با عیب درمان شود، دیه آن چهارپنجم از یک پنجم خواهد بود - با توجه به قاعده توزیع، مقتضای جمع روایات، قاعده انصاف و حکم عقل و اولویت، با موازین شرعی و قانونی انطباق بیشتری دارد و نظریه اداره کل حقوقی قوه قضاییه و نماینده دادستان کل کشور و مفاد رأی وحدت رویه شماره ۷۸۲ مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید آن می باشد.

References

- Bai HA. Reflections on the Rule of the Bones Breaking Blood Money. *Quarterly Journal of Islamic La* 2015; 12(44): 38-41.
- Khoei SA. Mabani Takmelah al-Minhaj: Al-Qisas and al-Diyat. 3rd ed. Qom: Al-Imam al-Khooi Institute; 1428 AH. Vol.42 p.375, 400, 403-425.
- Ardabili A. Majma 'al-Faedaye va al-Burhan. 1st ed. Qom: Islamic Publications Office; 1403 AH. Vol.14 p.355, 422-423.
- Najafi MH. Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharayeh al-Islam. Beirut: Darahiyah al-Tarath al-Arabi; No Date. Vol.43 p.168, 287.
- Ibn Manzur M. Lisan al-Arab. 3rd ed. Beirut: Dar al-Fikr; 1404 AH. Vol.8 p.194.
- Ibn Zakaria A. Mojam Maqayis al-Loghat. 1st ed. Qom: Islamic Advertisement Office; 1404 AH. Vol.3 p.337.
- Qurashi SAA. Dictionary of the Qur'an. 6th ed. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah; 1412 AH. Vol.4 p.115.
- Hakim SMS. Minhaj al-Saleheen. 1st ed. Beirut: Dar al-Safwah; 1415 AH. Vol.3 p.307-309.
- Sadr SM. Mavara al-Feqh. 1st ed. Beirut-Lebanon: Dar al-Azwa; 1420 AH. Vol.9 p.264.
- Shaker MH, Sarikhani A. Examining bone fracture blood money from the perspective of law and the procedure of the Forensic Medicine Organization along with solving some executive problems. *Iran Forensic Medicine Journal* 2016; 22(4): 325-331.
- Jazri (Ibn Athir) M. Alnahayah fi Gharib al-Hadith va al-Asar. 1st ed. Qom: Ismailian Institute; No Date. Vol.1 p.187.
- Mostaghimi JD. Human Anatomy. 4th ed. Mashhad: Jahad Daneshgahi Publications, Mashhad University; 1988. p.19-20, 71, 73, 107, 274.
- Hor Ameli M. Wasa'il al-Shia. 3rd ed. Beirut: Al al-Bayt Institute; 1429 AH. Vol.29 p.299, 302, 305, 308-309, 310.
- Gorji A. Diat. 3rd ed. Tehran: Tehran University Publication; 2011. p.191.
- Zera'at A. Brief description of the Islamic Penal Code approved in 2014. 4th ed. Tehran: Phoenix; 2016. Vol.1 p.656.
- Fayoumi A. Al-Mesbah al-Munir. 1st ed. Qom: Dar al-Razi Publications; No Date. Vol.2 p.220, 363.
- Tusi M. Al-Mabsoot fi Fiqh al-Imamiyyah. Tehran: Al-Maktabah al-Murtadhawiyyah; 1387 AH. Vol.7 p.143.
- Hashemi SM. Culture of Jurisprudence. 1st ed. Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institution; 1426 AH. Vol.3 p.609.
- Tabatabai MH. Translation of Tafsir al-Mizan. Mousavi SMB. 24th ed. Qom: Islamic Publications; 2007. Vol.5 p.356.
- Ragheb Isfahani H. Mofrtadat Alfaz al-Quran. 1st ed. Lebanon-Syria: Dar al-Elm; 1412 AH. p.822.
- Helli Y. Al-Jame al-Sharayeh. 1st ed. Qom: Seyyed al-Shuhada al-Elmiyeh Institute; 1405 AH. p.615-616, 623.
- Zubaidi SMM. Taj al-Arus Min Javaher al-Qamus. 1st ed. Lebanon: Dar al-Fikr; 1414 AH. Vol.13 p.167.
- Mostafavi H. Altafhigh fi Kalamat al-Quran Karim. 1st ed. Tehran: Markaz al-Ketab Letarjomah va al-Nashr; 1402 AH. Vol.4 p.68.
- Tusi M. Al-Wasila Ila Nail al-Fadhila. 1st ed. Qom: Ayatollah Marashi Library; 1408 AH. p.453.
- Kidari Q. Asbah al-Shi'a bi Mesbah al-Sharia. 1st ed. Qom: Imam Sadegh (AS) Institute; 1416 AH. p.506-507.
- Fazel Hendi M. Kashf al-Lesam va al-Ibham an Ghavaed Alahkam. Qom: Islamic Publications; 1416 AH. Vol.11 p.389.
- Majlisi MB. Mer'ah al-'Aqul fi Sharh al-Akhbar al-Rasool. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah; 1404 AH. Vol.24 p.140.
- Tabatabai SA. Riyadh al-Masa'il fi Tahqiq al-Ahkam Belbadil. Qom: Al-Bait Institute (AS); 1418 AH. Vol.16 p.490.
- Kolini M. Al-Kafi. 4th ed. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah; 1407 AH. Vol.7 p.324, 330, 363.
- Saduq M. Min Layahzarah al-Faghih. 2nd ed. Qom: Society of Teachers; 1413 AH. Vol.4 p.75-92.
- Tusi M. Tahdhib al-Ahkam. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah; 1407 AH. Vol.10 p.295, 309.
- Rashad M. Principles of Jurisprudence. 4th ed. Tehran: Iqbal Publications; 1988.
- The criterion in calculating the bone fracture blood money. *Jurisprudential-Legal Research Center of the Judiciary* 2016; 1-10.